

## The Comparison of Two Lyrical Works: Jalis Al-Mushtaq and Basatin Al-Ons

**Rostami, Fatemeh**

PhD Candidate, Persian Language and Literature Department, Literature and Humanities Faculty, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran

**Ghojzadeh, Alireza (Corresponding Author)**

Assistant Professor, Persian Language and Literature Department, Literature and Humanities Faculty, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

**Chegini, Ashraf**

Assistant Professor, Arabic Language and Literature Department, Literature and Humanities Faculty, Varamin-Pishva Branch, Islamic Azad University, Varamin, Iran.

### Abstract

Jalis al-Mushtaq is a romantic poetry written in 870 AH by an unknown poet called "Ali" during the reign of Amir Shirvan Shah Farrokh Yasar (869-907 AH). This work is a translation of the poems of Basatin ol-Ons by Akhsatan Dehlavi (726 AH), secretary and writer during the period of Sultan Ghiyath al-Din Tughluq and Muhammad Shah Tughluq. Based on the manuscript of Riyahin al-Qulub, which is a translation of Golestan, a poet named Amir Sayyed Ali Hosseini (living in 860 AH) presented it to Sultan Khalil Shirvanshah (820-868 AH) and from the evidence in this work, it seems that the composer of Jalis al-Mushtaq is Sayed Ali Hosseini. This poem tells the love story of Kishvargosha, the son of Shah Batihan (Indian) with Malekara (daughter of the king of China) and at the same time, connected stories are also narrated in it. Considering the common background of these two works, differences and commonalities can be seen in their storytelling, combinations, characters and scenes, that the poet of Jalis al-Mushtaq has used the terms of music, astronomy and natural elements in his description and with simple language against the complex language of Basatin al-Ons has followed Shahnameh's meter. The research on these two works indicates the influence of Persian and Iranian culture in the subcontinent and also the influence of these two cultures on each other. In this essay, the differences and commonalities of these two works have been examined.

**Key Words:** Ali, Jalis-al-Mushtaq, Basatin al-Ons, Kishvargosha, Malekara. Iran, India.

**Citation:** Rostami, F.; Ghojzadeh, A.; Chegini, A. (2023). The Comparison of Two Lyrical Works: Jalis Al-Mushtaq and Basatin Al-Ons. Journal of Studies in Lyrical Language and Literature, 13 (48), 25-44.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Studies in Lyrical Language and Literature. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



## مقایسه دو اثر عاشقانه جلیس المشتاق و بساتین الانس

فاطمه رستمی<sup>۱</sup>

علیرضا قوجه زاده<sup>۲</sup>

اشرف چگینی<sup>۳</sup>

### چکیده

جلیس المشتاق منظومه‌ای عاشقانه است که در سال ۸۷۰ توسط شاعری ناشناخته با نام یا تخلص «علی» در دوره حکمرانی امیر شیران شاه فرخ‌یسار (۸۶۹-۹۰۷) سرود شده است. این اثر، برگردان منظوم بساتین الانس اخستان دهلوی (۷۲۶ ق)، دبیر و ادیب دوره سلطان غیاث‌الدین تغلق و محمدشاه تغلق است. با توجه به دست‌نویس ریاحین القلوب، ترجمه منظوم گلستان از شاعری به نام امیر سید علی حسینی (زنده در تاریخ ۸۶۰) و تقدیم آن به سلطان خلیل شروان شاه (۸۲۰-۸۶۸) و از قرائن موجود در این اثر، چنین بر می‌آید که سراینده جلیس المشتاق همین سید علی حسینی باشد. این منظومه حکایت عشق کشورگشا (پسر پادشاه بتیهان هند) با ملک آرا (دختر پادشاه چین) است که در خلال آن چندین حکایت دیگر نیز نقل شده است. با توجه به پیشینه مشترک این دو اثر، افتراقات و اشتراکاتی در داستان‌پردازی، ترکیبات، شخصیت‌ها و صحنه‌پردازی‌های آن‌ها دیده می‌شود. سراینده جلیس المشتاق در توصیفات خود از اصطلاحات موسیقی، نجومی و عناصر طبیعی بهره جسته و با زبانی ساده برخلاف زبان پیچیده و مغلق بساتین الانس با پیروی از وزن و بحر شاهنامه به روایت این داستان پرداخته است. برگردان این دو متن ارزشمند ادبی با آبخور هندی به نظم و نشر، بیان‌گر نفوذ و تأثیر عمیق زبان، فرهنگ و ادب فارسی در شبه‌قاره سده هشتم است. در این پژوهش با تحلیل و مقایسه این دو متن به بررسی افتراقات و اشتراکات آن پرداخته شده است.

**کلیدواژه‌ها:** علی، جلیس المشتاق، بساتین الانس، کشورگشا، ملک آرا، آذربایجان.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران. [alirezaghोजezade@yahoo.com](mailto:alirezaghोजezade@yahoo.com)

۳. استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد ورامین-پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران.

## ۱. مقدمه

نسخه‌های خطی یکی از گنجینه‌های تاریخ، هویت و فرهنگ زبان فارسی هستند که احیای آن‌ها به غنای فرهنگی، ادبی و تاریخی ما ایرانیان کمک شایانی می‌کند. ارتباط دو تمدن بزرگ ایران و هند و خویشاوندی و پیوستگی فرهنگی و زبانی، دینی باعث شده است این دو قوم، از همدیگر متأثر گردند و به خلق آثار فراوان و ارزشمندی دست یازند که از آن جمله ترجمه کتاب‌های هندی همچون بلوهر و بوذاسف، کلیله و دمنه، سندبادنامه است که از زبان هندی قدیم به زبان پهلوی ساسانی برگردانده شده است، اگرچه این نهضت فرهنگی، به‌ویژه ترجمه متون تا امروز هم ادامه دارد.

یکی از آثار روایی هند باستان، حکایت عاشقانه پادشاه کشورگیر و ملک آراست که در دوره محمدشاه تغلق (۷۲۵-۷۵۲) توسط اخستان دهلوی (۷۲۶) با عنوان بساتین الانس به نثر فارسی ترجمه شده و همین اثر در سده بعد، به کوشش شاعری به نام و تخلص علی در سال ۸۷۰ هـ.ق، به نظم فارسی درآمده است. از آنجایی که پیشینه این داستان از یک اثر متثور هندی برگردانده شده است، تحقیق و پژوهش درباره این اثر و افتراقات و اشتراک این دو اثر، به معرفی بیشتر آن و افزودن اثر به مجموعه داستان‌های عاشقانه و ادبی زبان فارسی کمک می‌کند.

## ۱.۱. پیشینه تحقیق

درباره دست‌نویس منظومه جلیس‌المشتاق، برگردان متن بساتین‌الانس اخستان دهلوی، تاکنون هیچ تحقیق و تصحیحی صورت نگرفته، جز در مواردی که تنها به معرفی این دست‌نویس پرداخته شده است:

تنها منبع کهن که اطلاعات اندکی درباره جلیس‌المشتاق به دست داده، کشف‌الظنون حاجی خلیفه است. حاجی خلیفه به اشتباه، ممدوح شاعر را از ملوک هند دانسته است. از محققان معاصر، در سال ۱۹۸۴ سید حسن عابدی، در گفتاری مختصر، این اثر را در کتابخانه لالا اسماعیل ترکیه دیده و آن را به اختصار معرفی کرده است. در سال ۱۴۰۰ مهدی بیلاقی مقاله‌ای با عنوان «جلیس‌المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان»، در مجله گزارش میراث، منتشر کرده است که در آن تنها به معرفی جلیس‌المشتاق پرداخته شده و به اصل موضوع؛ یعنی برگردان این اثر از بساتین‌الانس اشاره نشده است. اثر دیگر «تصحیح و تحشیه و مقدمه بساتین‌الانس اخستان دهلوی» است که نذیر احمد مصحح آن بوده است و در سال ۱۳۸۹ در مرکز تحقیقات فارسی رایزنی فرهنگستان سفارت جمهوری اسلامی ایران - دهلی نو انتشار یافته است. نذیر احمد در تصحیح این کتاب از دو نسخه خطی متأخر (نسخه‌های لکهنو، کتابت ۱۰۴۶ و بریتانیا مورخ ۱۰۷۴) استفاده کرده که موفق به اتمام آن نشده و در گذشته است. این اثر با مقدمه‌ای انگلیسی به قلم خود وی به اهتمام ریحانه خاتون (دختر ایشان) منتشر شده است که در مواردی اشتباهات حروف‌نگاری و بدخوانی‌های متن دارد.

بهرروز ایمانی «تصحیح بساتین‌الانس» را موضوع رساله دکتری خود در دانشگاه شهید مدنی تبریز با راهنمایی رحمان مشتاق مهر انتخاب کرده و به پایان رسانده است. سپس مقاله «گزاره پارسی، عاشقانه‌ای از هند باستان» را در سال ۱۳۹۸ منتشر کرده است که درباره معرفی دست‌نویس بساتین‌الانس و نویسنده آن اخستان دهلوی است. مقاله «نمود پاراناسیسم در بساتین‌الانس اخستان دهلوی» نیز به قلم ابوالقاسم عاشوری است که در سال ۱۳۹۷ چاپ شده است. عاشوری در این مقاله به صناعات و آرایه‌های ادبی و بیانی بساتین‌الانس اشاره کرده است.

## ۲. بحث

## ۱.۲. درباره علی شاعر

در هیچ‌یک از منابع تاریخی و ادبی، اشاره مستقیمی به ناظم «جلیس‌المشتاق» نشده و آنچه درباره وی ذکر می‌شود، یافته‌های برآمده از متن این اثر و دیگر دستنویسی به نام ریاحین القلوب، به شماره ۳۹۳۰، مضبوط در کتابخانه نور عثمانیه ترکیه است

که امیر سید علی حسینی (زنده در تاریخ ۸۶۰)، گلستان سعدی را به نظم درآورده و آن را به سلطان خلیل (حک. ۸۲۰-۸۶۸ ق) تقدیم کرده است. از قراین موجود در این اثر چنین برمی‌آید که سراینده جلیس‌المشتاق همین ناظم ریاحین القلوب باشد، چنانکه وی بعد از ستایش نبی اکرم (ص)، به مدح سلطان خلیل و فرزند او شیران‌شاه فرخ‌یسار-ممدوح شاعر در جلیس‌المشتاق- پرداخته است.

بعد از درود احمد نبی و تباع او گویم بیان آن که بود او شعاع او  
سلطان خلیل شاه نسب دین مظفری مشهور خسروان زمان او به سروری  
[۲ پ]

سلطان خلیل سایه حق بر عوام و خاص روشن‌روان شیخ زمان منبع خواص  
[۱۱۷ پ]

و در بیتی نیز به فرزند او اشاره کرده:

شیران‌شاه زمانه که ز نسل او شده پدید یا رب که عمر و دولت او باد بر مزید  
[۱۱۷ پ]

در خاتمه برگردان گلستان، خود را چنین معرفی نموده است:

درخواه ای علی حسینی ز کردگار خواننده کتاب ریاحین به روزگار  
[۱۱۷ پ]

و نیز علی شاعر در معنیات خود پس از ترقیمه جلیس‌المشتاق به نام و تخلص خویش نیز اشاره کرده است:

زنده گردد بر سر بازار عشق از روی مهر گر گشاید لب به پرسش آن پری سوی علی  
(جلیس‌المشتاق: ۲۱۳ ر)

در این منظومه، ابیاتی چند درباره امام علی (ع)، امام حسن (ع)، امام حسین (ع) و واقعه کربلا آمده است از این رو شاید بتوان مذهب او را شیعه دانست (همان: ۲۱۴ ر). شغل او شعربافی (پارچه‌بافی) بوده (همان: ۲۰۹ پ) و در حوزه‌هایی چون علوم ادبی، معما، موسیقی، نجوم، هیأت، حدیث و روایت و تاریخ اسلام مهارت داشته است. (همان، ۱۵ پ؛ ۱۹ ر؛ ۴۰ ر). ممدوح علی، شیران‌شاه فرخ‌یسار (حک. ۸۶۹-۹۰۷) است که بعد از پدرش سلطان خلیل (ف. ۸۶۹) در سروان به پادشاهی رسید (حاجی خلیفه، ۱۳۷۶: ۱۵۲). شاعر، وی را در چند جا مدح گفته است (همان: ۱۱۱ پ).

## ۲.۲. درباره جلیس‌المشتاق

جلیس‌المشتاق اثری است منظوم که شاعری ناشناخته با نام یا تخلص علی و احتمالاً علی حسینی در سال ۸۷۰ هـ درباره حکایت عشق پسر پادشاه بتیهان (هند) کشورگشا، با دختر پادشاه چین، ملک‌آرا سروده است. علی شاعر آغاز این منظومه را به ستایش باری تعالی و نعت پیامبر اکرم (ص) و مدح شیران‌شاه اختصاص داده و سپس داستان‌هایی عاشقانه نقل کرده، پس از این مقدمه به اصل موضوع آن یعنی عشق دو شاهزاده؛ کشورگشا و ملک‌آرا پرداخته است. در این اثر نیز مانند مثنوی خسرو و شیرین نظامی، کشورگشا با دیدن تصویر ملک‌آرا عاشق و دل‌باخته او می‌شود و برای وصلت با او حوادث و ماجراهای شگفت‌انگیز را از سر می‌گذرانند و سرانجام به وصال او نایل می‌شود. در واقع، این اثر برگردان یکی از آثار روایی هند باستان؛ یعنی بساتین‌الانس است که در سال ۷۲۶ به نثر فارسی متکلفانه برگردانده شده است.

تنها منبع کهنی که به جلیس‌المشتاق اشاره کرده است کشف‌الظنون است. هرچند حاجی خلیفه به اشتباه، ممدوح شاعر را از ملوک هند دانسته است: «جلیس‌المشتاق: و هو منظوم فی قصه فغفور و زاهد، من النظم بعض شعرا الفرس لشیران‌شاه، من

ملوک الهند، فی رجب سنه ۸۷۰ سبعین و ثمانمائه و عدد ابیاته سبعة آلاف و ثمانمائه و ست و سبعون» (حاجی خلیفه، ۱۳۶۰: ۵۹۳-۵۹۴).

علی این اثر را به تاسی از شاهنامه فردوسی به رشته نظم کشیده است:

مرا گفت آن دم به بانگ بلند چو غنچه به دور جوانی بخند  
سوی من خرام ای علی زودتر ز معنی و دانش بسی سود بر  
که فردوسی طوسی استاد فن به نزد افاضل منم بی سخن  
(۷: ۱۶۴-۱۶۶)

چون عنوان اصلی کتاب؛ در بحر متقارب نمی گنجیده، بنابراین شاعر، نامی مناسب برای آن، در قالب معما، برمی گزیند:

درین بحر نگرفت آن اسم جا من آن را کنم در معما ادا  
ز اوج زحل تا به برجیس و شید ازین گونه از کس سخن ناشنید  
برآشفت چون زلف خوبان حسود دل از شوق تا چهره خرم نمود  
(جلس المشتاق: ۸: ۲۰۲-۲۰۴)

جلس المشتاق، شامل ۷۸۴۵ بیت در ۱۰۲ بخش است. علی شاعر، شش بخش ابتدایی را به ستایش خداوند تعالی، نعت رسول (ص) و امام شیعیان و دو فرزند برومند ایشان حسن (ع) و حسین (ع) اختصاص داده، سپس به داستان و حکایات درونی آن می پردازد. اشاره به شخصیت های باستانی پارسی در این اثر نیز نشان از وفاداری و علاقمندی ناظم آن به تمدن کهن ایرانی است. هروی گلشنی کاتب، بعد از خاتمه منظومه جلس المشتاق، معیاتی از سراینده را نیز در برگ های پایانی این مثنوی گنجانده است که در مواردی اطلاعاتی مفید از شاعر و همچنین ممدوح او را به دست می دهد.

نسخه مورد استفاده در این تحقیق، متعلق به کتابخانه سلیمانیه مجموعه لالا اسماعیل استانبول ترکیه به شماره ۴۰۶ در ۲۱۲ برگ ۱۹ سطری به خط نستعلیق خوش است. تاریخ کتابت این نسخه قید نشده، اما از قرائن نسخه شناسی معلوم می شود که متعلق به قرن نهم است.

### ۳،۲. بساتین الانس

بساتین الانس اثری است عاشقانه از هند باستان که محمد بن علاءالدین بن احمد بن حسن عبدوسی، مشهور به اخستان دهلوی، از دانشوران و سرایندگان پارسی گوی شبه قاره در دوره غیاث الدین تغلق (۷۲۰-۷۲۵) و محمدشاه تغلق (۷۲۵-۷۵۲) در سال ۷۲۶ به فارسی ترجمه کرده است.

«اخستان دهلوی، حکایت عاشقانه پادشاه کشورگیر با ملک آرا را به طور مستقیم روایت نمی کند، بلکه چند قصه را به شیوه داستان در داستان؛ مثل کلیله و دمنه و مرزبان نامه نقل می کند و با «پیش کشیدن شبکه ای از شخصیت پردازی ها و صحنه سازی های فرعی (مشتاق مهر و ایمانی، ۱۳۹۸: ۱۰۸) به اصل قصه می پردازد. وی علی رغم تأکید بر رعایت سادگی و بی پیرایگی در ساختار نثری بساتین الانس (اخستان دهلوی، ۱۳۸۹: ۵۲) از تکلف گویی و صنعت سازی به دور نمانده و آن را به انواع صنایع بلاغی مانند استعارات غریب و تشبیهات عجیب آراسته، چنان که خود در این باره اذعان نموده است» (همان: ۵۲).

اخستان دهلوی، بساتین الانس را با یک مقدمه در ستایش خدا و نعت پیامبر اکرم «ص» و با دو فصل در مدح محمدشاه تغلق و علت تحریر این اثر آغاز نموده و آنگاه به نقل حکایات پرداخته است. «بساتین الانس را در دوران حکومت عبدالله قطب شاه (۱۰۳۶-۱۰۸۳) در دکن، شیخ فخرالدین متخلص به نشاطی، با عنوان پهلول بن به زبان اردوی دکنی منظوم

برگردانده است» (مشتاق‌مهر، ایمانی، ۱۳۹۸: ۱۰۷) «و محمد قاسم فشته نیز آن را تلخیص کرده است» (فرشته، ۱۳۸۷: ج ۱، ۴۴۰).

### ۱،۳،۲. اشتراکات و افتراقات

با بررسی و مطالعه این دو اثر، به نکاتی مشترک و متفاوت برمی‌خوریم، چنانکه این دو کتاب زمانی و از طریق دوستی، به دست هر دو نویسنده رسیده که از لحاظ روحی یا جسمی بیمار بودند. علی در شبی دلگیر که از فراق یار خود دردمند بوده است، میزبان دوستی از نیک‌مردان می‌شود. دوستش، برای آرامش و تسکین دل زار شاعر، پیشنهاد می‌دهد تا اثری منثور را که از هند، تاجری آورده و به دست او رسیده، به نظم برگرداند (۱۶۹پ-۱۷۰ ر). اخستان دهلوی نیز در بستر بیماری است که یکی از «اصدق‌ای صافی‌وداد که به فضیلت هنر و کمال خرد، از اقران و امثال خویش ممتاز» (همان: ۴۶) و «همواره توفیق رعایت حسن عهد، قرین و رفیق حال او بوده»، به تفقد و دلجویی او می‌آید و «نسخه حکایت پادشاه کشورگیر که ترجمه هندی است» (همان) با خود می‌آورد و به وی می‌دهد تا با مطالعه و ترجمه آن، موجبات «انبساط خاطر و فرحت طبع» وی فراهم شود، اخستان نیز به ترجمه کتاب می‌پردازد (همان: ۵۱).

افتراق آشکار این دو اثر، در عنوان آن‌هاست؛ اخستان همان نام بساتین‌الانس را برگزید، اما همان‌طور که ذکر شد، علی به دلیل آنکه عنوان اصلی کتاب در بحر متقارب نمی‌گنجیده، نام دیگری؛ یعنی جلیس‌المشتاق را برای آن برگزیده است. افتراقات و اشتراکات جلیس‌المشتاق و بساتین‌الانس را می‌توان در دو دسته روایت داستانی و کاربرد جملات و ترکیبات دسته‌بندی کرد:

### ۱،۱،۳،۲. کاربرد جملات و ترکیبات و مفاهیم

با همه نوآوری‌های علی در سرودن جلیس‌المشتاق، باز هم می‌توان ترکیبات، جملات و کلمات همانند بساتین‌الانس را در این کتاب یافت.

### - اصطلاحات موسیقی

علی و اخستان، در هر جای از داستان که مجال آن بوده، از توصیف و تعریف ابزار و اصطلاحات موسیقی بهره جسته‌اند. گاه این توصیفات در صحنه‌های مشترک داستان، یکسان و گاه متفاوت است:

خود ابهام و خنصیر و بنصیر از آن بر آن تار چون گدا غازیان  
(جلیس‌المشتاق، ۵۱ پ: ۱۸۰۷)

«دست چنگی بر اوتار مانند گدا غازیان رسن‌بازی می‌کرد...» (بساتین‌الانس، ۱۱۷).

خنصیر: خنصر، انگشت کوچک که در لهجه مشهدی کلیک گفته می‌شود و پرده مربوط بدان با محل گذاشتن آن روی دسته ساز یا وتر (سیم) است (مراغی، ۱۳۶۶: ۲۲۹).

بنصیر: بنصر، انگشت چهارم دست و در قدیم چون هر یک از پرده‌های ساز را به نام انگشتی که روی آن قرار می‌گرفته، نام‌گذاری می‌کرده‌اند؛ یعنی بنا بر قاعده حال و محل به جای گذاشتن هر انگشت روی سیم ساز، نام آن انگشت را اطلاق می‌کرده‌اند، اسم یکی از پرده‌ها بوده است (همان: ۲۲۳).

### بساتین‌الانس

«نظر حاجب بر طلعت میمون زاهد افتاده، علامتی که پادشاه حاجب را تلقین و تعلیم کرده بود، من کل الوجوه در روی او عین‌الیقین دید و فرمان پادشاه متضمن تربیت و مرحمت نامحدود و مشتمل بر استدعا بدو رسانید، زاهد به ورود این اشارت

با بشارت مستبشر و مبتهج گشت و بعد ایراد معذرت‌های دلپذیر پیش اهل صومعه قلم‌آسا سر بر خط اطاعت فرمان پادشاه نهاد و دوات‌صفت حلقه بندگی در گوش کرده، سبحاً علی الوجه لا مشياً علی القدم. روی به درگاه پادشاه آورد» (همان: ۶۷)

جلس‌المشتاق

پس آنکه بدو خواب شه باز گفت به بانگ حسینی و شهناز خفت  
زمانی چو برداشت او سر ز خواب چنین گفت با شاه عالی‌جناب  
که باید شدن نزد خاقان چین خداوند توران و ایران‌زمین  
(۱۰: ۲۷۷-۲۷۹)

در جلس‌المشتاق آمده است که هنگامی که حاجب، زاهد را یافت، زاهد به بانگ شهناز و حسینی خفت که این اصطلاحات در بساتین‌الانس نیامده است.

- اصطلاحات نجومی

اسامی ثوابت و سیارات و سعود و نحوس آن در باورهای عامیانه از جمله موارد تأثیر آن در اقبال و طالع دیگران در این دو اثر است. این کاربردها نیز در مواردی مشابه و یا متفاوت است.

- در جلس‌المشتاق در عنوان «اختیار حکما به جهت تزویج پور وزیر با دختر زاهد»، علی‌به‌طور مفصل و با به‌کاربردن اصطلاحات نجومی به درخواست شاه از فیلسوفان و منجمان برای بررسی طالع آن و تعیین روزی سعد اشاره می‌کند. در بساتین‌الانس به این موارد اشاره‌ای نشده است.

بساتین‌الانس

«پادشاه وزیرزاده را بفرمود تا طوق ایجاب قرابتی دختر زاهد در جید وجود خود کند و رعایت مضمون.» (بساتین‌الانس، ۱۰۰: ۳).

جلس‌المشتاق

چنین گفت با بخردان، بعدازآن در آن بزم سردار هندوستان  
مرا هم جز این نیست فکری دگر مدد بخشد ار داور دادگر  
یکی انجمن سازم از بخردان هشیوار و کارآزموده ردان ...  
(۱۲: ۳۷۱-۳۸۱)

- در جلس‌المشتاق مراسم ازدواج پسر وزیر و دختر زاهد و شادی اجرام آسمانی از این پیوند با استفاده از اصطلاحات نجومی، مفصل توصیف می‌شود که در بساتین‌الانس به شادی اجرام آسمانی اشاره کوتاهی شده است.

بساتین‌الانس

«از سماع نوای روح‌افزای ایشان زهره بر بام آسمان در چرخ آمد و چرخ از غایت حیرت نظاره آن مجلس زمین‌کردار پای بر جای ماند...» (بساتین‌الانس، ۱۰۰)

جلس‌المشتاق

ز بنیاد آن شادی جان‌فزا ثوابت به رقص آمده در سما  
دگر بازدان صاحبان بروج درین فکر کردند با هم خروج  
که هر یک گزینند کار دگر چو دیدند آن سور را معتبر  
(جلس‌المشتاق، ۳۹: ۱۳۷۱-۱۳۸۶)

- همخوانی متن

ولیکن دو گونه سخن بیشتر بُدی نزد آن خسرو دادگر:  
یکی آنکه باب کرم زینهار نبندی به روی صغار و کبار ...  
(جلیس‌المشتاق، ۴۸: ۱۶۹۳-۱۶۹۵)

«دو سخن بیشتر بودی، یکی آنکه در کرم بر جهانیان باز دارید و دوم آنکه به سوء اخلاق و بیدادی دل کسی را میازارید...»  
(بساتین‌الانس، ۱۱۲).

فضیلت بود مرد را بر نسا به قرآن چنین گفت ما را خدا  
بر همگنان روشنست این سخن که ناقص بود بی‌گمان عقل زن  
(جلیس‌المشتاق، ۱۴۸: پ: ۶۷۶۵ - ۶۷۶۴)

«چه فضیلت رجال بر زمره نساء به موجب آیت کلام ربانی که «الرجال قوامون ... به نزدیک همگنان ثابت است و قصور عقل و نقصان حصافت ایشان به مقتضای «هن ناقصات العقل» مخفی و مطوی نمانده ...» (بساتین‌الانس، ۲۹۱).

- کلمات و ترکیبات عربی

به گوش دلش از دو آیت خبر یکی ز آیت «فاستجبنا» دگر  
کدامست آن با تو گویم «أجیب» ز اسما ازین‌ها نباشد عجیب  
(جلیس‌المشتاق، ۳۴: ر: ۱۱۶۸-۱۱۶۹)

«چون ابواب استجابت مفتوح بود هاتف غیب ندای روح‌افزای ﴿فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَتَجَوَّبْنَا مِنْ الْأَعْمَى وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ﴾ به  
گوش ایشان فرو خواندند، و بشارت ﴿أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ﴾ زبان برگشاد بلبل ...» (بساتین‌الانس: ۹۹-۱۰۰).

به تحقیق در هیچ دارالشفای نباشد خود آن درد او را دوا  
(جلیس‌المشتاق، ۱۳۹: پ: ۵۰۹۷)

«و در هیچ دارالشفایی برای ازاله این الم و علاج آن سقم داروی مؤثر نشان ندهند ...» (بساتین‌الانس، ۲۴۱).

- توصیف

می سرخ مانند چشم خروس که از عکس او لعل شد سندروس  
(جلیس‌المشتاق: ۵۰: پ: ۱۷۷۰)

«تو گفتی شراب خوشگوار بر کف دست ساقی پی ۱ ساغر ایستاده است و یا عکس چشم خروس در آبدان افتاده...»  
(بساتین‌الانس، ۱۱۶).

ز خاییدن جوع، هر دم زبان به دو شاخ گشته چو کاف از میان  
(جلیس‌المشتاق، ۷۲: ر: ۲۵۹۲)

«و زبان به داعیه شدت جوع خاییدن کاف‌آسا از میان شکافته» (بساتین‌الانس، ۱۵۰).

نگر خالق زاغ شب‌های تار چه سان سنقر روز کرد آشکار  
چنان مشکل صعب و امر عظیم که دست طلب را از آن بود بیم  
نمی‌کرد خود پای فکرت دگر گذر اندرین راه خوف و خطر  
نظر کن بین صانع انس و جان به اتمام مقرون چه سان کرد آن



همان لحظه کشورگشا با وزیر زبان‌ها به معذرت دلدیر  
(جلیس‌المشتاق: ۱۷۷ ر: ۶۴۸۷ - ۶۴۸۳)

«و گفت: بشنید که خالق زاغ سیاه شب تار و باز سفید روز وافر انوار از پرده غیب چه لطیفه ظاهر کرد و آنچنان مهمی بزرگ امری عظیم که دست مطلب از ادراک آن به همه وجوه قاصر می‌نمود و در سلوک این راه مخالف پای فکرت کار نمی‌کرد به کدام اسپانی با تمام مقرون گردانید، کشورگیر زبان به معذرت دلدیر بگشاد» (بساتین‌الانس، ۲۸۲)  
- در بساتین‌الانس توصیف باغ و آمدن فصل بهار مفصل بیان شده است، اما در جلیس‌المشتاق تنها در یک بیت، باغ را توصیف کرده است.

بساتین‌الانس

«پیر سبزه‌پوش فلک بر بساط باغ و صحرا به جای جزع و کهربا، زبرجد و مینا ریخته و در محل زرنیخ و زعفران لاجورد و زنگار بیخته و نقش‌بند چابک‌دست بهار را از انواع نقوش بدایع ریاحین روی زمین اغبر را غیرت نگارخانه چین و رشک ارزنگ مانی» (بساتین‌الانس، ۷۶).

جلیس‌المشتاق

ملک را یکی باغ بودی چنان کز او گوشه‌ای بود باغ جنان  
(۱۳ ر: ۳۹۵)

- تشبیهات

برد از رخت شمع خورشید نور به نام خدا چشم بد از تو دور!  
(جلیس‌المشتاق، ۱۵۶ ر: ۵۷۱۰)

چه گویم اگر باز ریزند از آن یکی جرعه در کام کوهی گران  
چو سنگ آس ناساید ای بی‌همال یقین تا به روز «تکون الجبال»  
(جلیس‌المشتاق، ۱۵۶ ر: ۵۷۱۵-۵۷۱۶)

«به فلک می‌رود از روی چو خورشید تو نور / «قل هو الله احد؛ چشم بد از روی تو دور ... اگر در کام کوه گران‌سنگ جرعه‌ای از آن ریزند مانند سنگ آسیا تا روز «تکون الجبال ... از غایت مدهوش و سرگردان ماند» (بساتین‌الانس، ۲۶۱).

- مفاهیم

مفاهیم اخلاقی:

- در بساتین‌الانس، زاهد حکایت را به سه نوع تقسیم می‌کند و نوع سوم را بهتر می‌داند و علتش را «قدر نعمت بدون مشاهده زحمت نمی‌توان فهمید» بیان می‌کند و انتخاب را به عهده شاه می‌گذارد. در جلیس‌المشتاق زاهد فقط انواع حکایات را بیان می‌کند و هیچ توصیه و تأکیدی در مورد اینکه کدام نوع حکایت بهتر است، نمی‌کند و انتخاب را بر عهده شاه می‌گذارد و شاه با دلایل خود، نوع سوم را انتخاب می‌کند.

بساتین‌الانس

«حکایات را بر سه نوع قسمت کرده‌اند؛ یکی آنکه در او همه ذکر راحت و مسرت بود، دوم آنکه در او همه ذکر زحمت و مشقت بود، و سوم آنکه بدین دو نوع مشتمل باشد و من نوع سوم از دو نوع دیگر به ایراد لایق‌تر و مناسب‌تر می‌بینم؛ زیرا که ذکر مجرد راحت از فواید تجربت و نصیحت خالی باشد» (بساتین‌الانس، ۷۴).

## جلیس‌المشتاق

همی خوانم از گفته باستان به گفتار شیرین، یکی داستان  
چنین گفت آن پیر با شهریار سه نوعست افسانه، خود گوش دار  
نخستین از آن نوع، ای شاه تور همی لذتست و صفا و حضور  
دگر نوع ثانی ز روی قیاس بود محنت و درد و بیم و هراس ...  
(۱۲ پ: ۳۷۱-۳۸۱)

نیایش:

در اثنای داستان‌های منظومه جلیس‌المشتاق، نیایش شاعر با خدا، نیایش برخی از شخصیت‌های داستان با خدا و سجده آنان به درگاه الهی دیده می‌شود که این موارد در بساتین‌الانس نیامده است، چنانکه در جلیس‌المشتاق شاه نیمه‌شب برخاسته و با دیدن آسمان و ستارگان سجده شکر برجای آورده و به عظمت خداوند اقرار می‌کند. درحالی‌که این بخش در بساتین‌الانس ذکر نشده است.

بساتین‌الانس

«پادشاه نیم‌شب سر از بستر خواب برآورد، در آن زمان مه شب چهارده در وسط‌السماء رسیده بود ... پادشاه این چنین وقت ستوده و خوش و زمان طرب‌انگیز و دلکش را برای استماع لطایف پنداشت» (۷۳: س ۳-۱۷)

جلیس‌المشتاق

شه چین در آن صحن زنگاررنگ همی دید از هر طرف بی‌درنگ  
در آثار صنع سمیع و دود همی گفت با خویشتن در سجود ...  
(۱۲ ر)

- نقل روح

فن نقل روح و باور به آن از مسائل دینی دیرینه‌ای است که در میان ملل مختلف جهان به‌ویژه شبه‌قاره رواج داشته است، چنانکه این اعتقاد در بعضی از کتب فارسی از جمله جواهرالاسمار / طوطی‌نامه (ثغری، ۱۳۸۵: ۵۱۷-۵۳۱)، طوطی‌نامه (نخشبی، ۱۳۷۲: ۳۷۰-۳۸۱) و هشت بهشت (امیرخسرو دهلوی، ۱۳۹۱: ۲۰۷-۲۲۷) و هزارویک‌شب ذکر شده و در دو اثر بساتین‌الانس و برگردان منظوم آن نمود یافته است.

- در بخش «واقف شدن زاهد بر حال بلبل و گل و استدعای تبدیل انسان»:

دعایش به درگاه حق شد قبول بلا ز آسمان گشت بر ما نزول  
کشیدند ما را ز سر، آن بدان لباسی که مخصوص انسان بُد آن  
بشد صورت من به بلبل بدل نهال گلی گشت هم در محل  
مر آن دختر زاهد پاک‌دین بین حال ما را به عین‌الیقین  
(جلیس‌المشتاق ۲۹ پ، بیت ۹۹۲ تا ۹۹۵)

«و آیت مسخ نظیر روزگار ما گشت و مدتی است که به سبب تبدیل پیکر و تغییر صورت انسانیت، من سیاه‌رو چون بنفشه لباس سوگ دربرکشیده می‌باشم و دختر زاهد هر صبح مانند سمن جامه بر تن خویش چاک می‌زند» (بساتین‌الانس: ۹۴-۹۵)  
- در بخش «پادشاه قنوج و آموختن علم نقل روح به وزیرش»:

هوا و هوس داشت شه را بر آن دمد روح خود را در آهو روان  
بیابد ز حالات آهو خبر به هنگام جستن ابر کوه و در  
(جلیس المشتاق، ۵۸ پ: ۲۰۷۳ و ۲۰۷۴)

همچنین در ابیات (۵۹، ۲۰۹۲)، (۲۱۵۰)، (۶۴، ۲۲۸۲ تا ۲۲۸۵) به نقل روح اشاره شده است.

«چون جنه خویش را از روح خالی کرد، آهو در جستن آمد و به هر طرف می‌دوید»، «فی الحال وزیر روح پلید خود را در تن پاک ولی نعمت خویش درآورد و...»، «هم در این فکرت بود که ناگاه او را نظر بر طوطی مرده افتاد، ... و روح خود را در قالب طوطی درآورد» (روح افزا قمری مرده را پیش پادشاه آورد و آن غدار روح خبیث خود را در قالب قمری نقل کرد، چون طوطی مسکن اصل خود از زحمت بیگانه خالی یافت، بر سبیل مسارعت به جانب او شتافت و جان خویش را در وی کرد» (بساتین الانس: ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۷)

- رفتن حکیم به شهر قنوج به جهت انتقام شاهزاده از پادشاه قنوج:

چو سردار قنوج میل سه چار برون رفت از شهر در انتظار  
همی بود تا کی درآرد به دست بدان سان غزالی که او درخورست  
بر آن شکل آهو، حکیم جهان برآمد چو تندر بجست آن زمان  
بدان پادشه خویش را جلوه داد روان گشت در پیش اسبش چو باد  
(جلیس المشتاق، ۱۱۶ پ و ۱۱۷ ر: ۴۲۵۴ تا ۴۲۵۷)

«و این حکیم قوت تشکل داشت و لباس دانش او به علم این علم مطرز بود و توانستی به هر صورتی که خواهد، بشود.

چون پادشاه قنوج چند فرسنگ رفت حکیم بر شکل همان آهو شده پیش پادشاه بادکردار می‌دوید» (بساتین الانس: ۲۰۵).

- ماده تاریخ و معما

یکی از مفاهیمی که علی شاعر در جلیس المشتاق به آن تمایل داشته، معماست که در بساتین الانس از آن استفاده نشده

است. علی شاعر در این ابیات نام کتاب را در قالب معما بیان می‌کند:

درین بحر نگرفت آن اسم جا من آن را کنم در معما ادا  
ز اوج زحل تا به برجیس و شید ازین گونه از کس سخن کس شنید  
برآشف چون زلف خوبان حسود دل از شوق تا چهره خرم نمود  
(جلیس المشتاق، ۸ ر: ۲۰۲-۲۰۴)

۲- روایت داستانی جلیس المشتاق و بساتین الانس

در جلیس المشتاق مانند دیگر قصه‌های عامیانه از بن‌مایه‌ها و عناصر روایی شناخته‌شده در داستان‌های هندی استفاده شده

است که عبارتند از: ۱- عاشق شدن با دیدن تصویر، ۲- تعقیب شکار، ۳- فهم زبان جانوران، ۴- ترک حکومت و شادکامی،

۵- خواب دیدن، ۶- خاصیت انگشتری. این عناصر در بساتین الانس نیز دیده می‌شود.

با وجود یکی بودن پیرنگ اصلی داستان، باز در شرح داستان، افتراقاتی به چشم می‌خورد که برجسته‌ترین آن‌ها بدین ترتیب

است: ۱- در کتاب بساتین الانس، زاهد پیش از شروع حکایت، به پدرش که در ممالک عجم، صدرنشین مسند وزارت بوده

و منزلت بالایی نزد شاه داشته و بسیار دانا و کارگشا بوده، اشاره کرده و حکایتی که از پدر شنیده، بیان می‌کند. در صورتی که

جلیس المشتاق، زاهد اشاره‌ای به پدرش نکرده و یکسره شروع به بیان حکایت می‌کند.

۱- بساتین‌الانس: «پدر من در ممالک عجم، صدرنشین مسند وزارت بود و زمان حل و عقد و عنان قبض و بسط امور و مصالح آن ملک را پادشاه به کف کفایت و قبضه درایت او سپرده» (۷۴: س ۱۸ / ۷۵: ۱-۱۶) جلیس‌المشتاق:

شنودم که در ملک هندوستان یکی پادشاه بود خسرو نشان

(۱۳ ر: ۳۸۴)

در جلیس‌المشتاق و در بخش «تقریر زاهد در مجلس فغفور، قصه رای را با گل و تربیت باغبان، گل را و احوال آن»: در این قسمت از داستان به گل پرست بودن شاه اشاره شده، بدین ترتیب که باغبان به شاه می‌گوید تاجری به شهر وارد شده و گل سرخی را که در شهر او وجود دارد، در باغ ندیده است. باغبان اجازه می‌گیرد تا به دنبال گل برود و در نهایت با یاری پیری به آن گل دست می‌یابد. در بساتین‌الانس اشاره‌ای به این موارد نشده و تنها به دست‌یابی باغبان به گل با یاری بخت و اقبال اشاره می‌کند.

۲- بساتین‌الانس

«ناگاه باغبانی به سان باد صبا بوستان‌آرای بی‌محابا در مجلس انس پادشاه درآمد و در مواقف خدمت به انتظار پای‌بوس سروآسا به یک پای بایستاد و گل لعل‌رنگ مشکبوی که نرگس چشم مردمان جهان دیده، مثل آن ندیده بر دست آن گلدسته باغ شهریاری داد» (۸۲-۸۰).

«پادشاه با باغبان گفت: اگر به واسطه سعی جمیل تو شاخ امید ما به یافتن نهال این گل بارور گردد و این آمال تو غنچه‌کردار به زر خالص بی‌اندازه مشحون و مملو گردانیم و خارخار تمنای ادارک امانی از خاطر توکلی مرتفع کنیم» (۸۱: س ۱-۳). جلیس‌المشتاق:

چو گفت این سخن رای، آن باغبان چنین گفت کای شاه گردن‌کشان!

سرت سبز باد و لبت شادمان به دولت بسی سال و مه شادمان!

یکی تاجری از عراق عجم پیروز در باغ آمد برم ...

(۱۳ پ-۱۵ پ: ۴۱۵-۴۹۳)

۳- در بخش «حکایت پادشاه کشمیر و آموختن علم نقل روح از زاهد و احوال او» تفاوت در گشتن قمری است. در جلیس‌المشتاق، پس از آنکه وارد کالبد قمری شد، روح‌افزا سر قمری را از تنش جدا می‌کند. همین بخش از داستان در بساتین‌الانس بدین گونه است که شاه پس از ورود به کالبد خود، که وزیر آن را تصرف کرده بود، با خنجر قمری را می‌کشد. بساتین‌الانس

«چون طوطی مسکن اصل خود از زحمت بیگانه خالی یافت، بر سیل مسارعت به جانب او شتافت و جان خویش را در وی کرد و خلقت پیشینه و اوضاع قدیم یافت و قمری را بر خاک مذلت و خواری برد و دمار از نهاد او برآورد و به آب تیز چشمه خنجر غریق بحر فنا گردانید.» (۱۳۷: س ۱۴)

جلیس‌المشتاق:

... ز شادی آن روح‌افزا بجست به کین و غضب، حلق قمری به دست

گرفت و سر او بکند از بدن بیفکند و کوتاه شد آن سخن

(۶۴ ر: ۲۲۸۵-۲۲۸۹)

- ۴- در جلیس المشتاق، به غم و اندوه پسر وزیر از دوری یار و مدت زمان جشن چهل‌روزه اشاره می‌کند. در بساتین الانس این بخش بدون ذکر جزئیات آمده است (بساتین الانس ۱۰۲: س ۹؛ جلیس المشتاق، ۴۱ ر- ۴۳: ابیات ۱۴۱۷ - ۱۴۲۵ / ۱۴۴۶ / ۱۵۰۸).
- ۵- در جلیس المشتاق زمانی که طوطی نزد شاه است، از صحبت‌های شاه متوجه می‌شود که روح‌افزا از او دوری می‌کند و با دانستن این موضوع خوشحال می‌شود، ولی در بساتین الانس اشاره‌ای به این مطلب نشده است. (بساتین الانس، ۱۳۵؛ جلیس المشتاق، ۶۱ پ: ۲۱۸۲ / ۲۱۹۱ - ۲۱۹۲).
- ۶- در بخش «ملاقات وزیر با پادشاه و تقریر احوال‌ها» در جلیس المشتاق، وزیر وقتی اجازه ورود گرفت، به پای‌بوسی شاه رفت و شاه به خازن دستور داد تا برای وزیر خلعت خاص بیاورند تا بپوشد، اما در بساتین الانس به این موارد اشاره‌ای نشده است. (بساتین الانس، ۱۴۰: س ۱۳؛ جلیس المشتاق، ۶۷ پ: ۲۴۰۹ - ۲۴۱۴).
- ۷- در بخش «جواب وزیر در صفت حسن ملک‌آرا» در جلیس المشتاق، وقتی که وزیر و سرلشکر تصمیم گرفتند که به شاه از وجود نعمتی به نام ملک‌آرا خبر بدهند با همدیگر قرار گذاشتند که نباید کسی به این راز پی ببرد. در بساتین الانس، وزیر با دو دلیل علت مخفی نگه‌داشتن موضوع را مطرح می‌کند که در جلیس المشتاق به آن دو دلیل اشاره‌ای نشده است. (بساتین الانس، ۱۴۴-۱۴۵؛ جلیس المشتاق، ۷۰ ر: ۲۵۰۰ - ۲۵۰۵).
- ۸- در بخش «جواب وزیر در صفت حسن ملک‌آرا»، در جلیس المشتاق وقتی وزیر تصمیم گرفت نزد شاه برگردد و به او خبر دیدن ملک‌آرا را بدهد، لباس زهاد را پوشید، لیکن در بساتین الانس در این قسمت از داستان اشاره‌ای به پوشیدن لباس زهاد نشده است. (بساتین الانس، ۱۴۵؛ جلیس المشتاق ۷۰ ر: ۲۵۰۹).
- ۹- در جلیس المشتاق و در بخش «وصیت کردن شاهزاده با سمن‌بر در اخفای راز»، سمن‌بر به مؤاخذه خود می‌پردازد و خودش را سرزنش می‌کند که نباید رازش را افشا می‌کرد. در بساتین الانس اشاره‌ای به این سرزنش و مؤاخذه خود نشده است (بساتین الانس، ۱۷۰؛ ۸۹ پ- ۹۰ ر: ۳۲۴۵ - ۳۲۵۷).
- ۱۰- در بخش «طلبیدن شاه قنوج شاهزاده را و در آب رفتن شاهزاده»، در جلیس المشتاق، طرح نقشه از سوی وزیر به‌طور کامل گفته نمی‌شود، در صورتی‌که در بساتین الانس، شرط بازی و دلیل شاهزاده در قبول آن و شکار شدنش توسط نهنگ و ماهیان گوشت‌خوار و بی‌خبری سمن‌بر از آن مکان، در طرح نقشه وزیر بیان شده است. در ادامه داستان زمانی که شاهزاده نزد پادشاه می‌آید و در بازی شطرنج به شاه می‌بازد، شاه شرط را می‌گوید (بساتین الانس، ۱۷۷؛ جلیس المشتاق، ۳۴۰۸ - ۳۴۲۸).
- ۱۱- در بخش پایانی «طلبیدن شاه قنوج، شاهزاده را و در آب رفتن شاهزاده» در جلیس المشتاق وقتی شاهزاده غرق می‌شود شاعر در مورد دنیا نصیحت‌هایی می‌کند که در بساتین الانس به آن اشاره نشده است (بساتین الانس ۱۷۹؛ جلیس المشتاق، ۹۶ ر- ۹۷ ر: ۳۴۷۴ - ۳۵۱۶).
- ۱۲- در بخش «رفتن حکیم به شهر قنوج به جهت انتقام شاهزاده از پادشاه قنوج»، در جلیس المشتاق، دو دلیل برای بدی‌ها و مضرات شکار ذکر شده که در بساتین الانس تعداد دلایل، سه مورد ذکر شده است (بساتین الانس، ۲۰۰؛ جلیس المشتاق، ۱۱۰ پ- ۱۱۱ ر: ۴۰۲۷ - ۴۰۳۶).
- ۱۳- در بخش پایانی «طلبیدن آهو» در جلیس المشتاق هنگامی که سمن‌بر با شاه قنوج دیدار می‌کند و شرط وصال را در پیدا کردن آن آهو می‌داند، شاعر، نصیحت‌هایی در باب گمان بد نداشتن بیان می‌کند که در بساتین الانس به آن اشاره‌ای نشده است (بساتین الانس ۲۰۴؛ جلیس المشتاق، ۱۱۵ ر - ۱۱۵ پ: ۴۲۰۶ - ۴۲۱۴).

۱۴- در بخش «رفتن پادشاه به صید و گرفتار شدن به دست حکیم»، در مجلس‌المشتاق بعد از دستگیر کردن شاه قنوج، شاعر پندهایی می‌سراید، ولی در بساتین‌الانس آن پندها دیده نمی‌شود (بساتین‌الانس: ۲۰۵؛ مجلس‌المشتاق ۱۱۷ ر- ۱۱۷ پ: ۴۲۶۹-۴۲۷۵).

۱۵- در مجلس‌المشتاق بخش «فرستادن شاه قنوج حکیم را پیش وزیر خود، صورت طلسمی را که به شکل انسان ساخته‌اند در آب اندازد به جهت خلاص شاهزاده از دریا»، در بساتین‌الانس شاه قنوج می‌گوید که آن صورت طلسم در خزانه پدرم بوده که بعد از او به من رسیده است، اما در مجلس‌المشتاق این طلسم متعلق به شاه بوده و می‌گوید در خزانه خود اوست (بساتین‌الانس، ۲۰۸؛ مجلس‌المشتاق، ۱۲۰ پ: ۴۳۸۶).

۱۶- در بخش «نمودن وزیر صورت ملک‌آرا را به پادشاه و تعشق کشورگشا پسر پادشاه»، در بساتین‌الانس، وزیر بعد از نشان دادن تصویر ملک‌آرا از بارگاه بیرون آمده و به سمت خانه بازمی‌گردد تا لباس زهاد را از تنش درآورده، خلعت زرنگار بپوشد، ولی در مجلس‌المشتاق، وزیر بعد از نشان دادن تصویر اجازه برگشت می‌گیرد تا به دیدن اهل و عیالش برود و اشاره‌ای به عوض کردن لباس نشده است؛ زیرا وزیر در موقع ملاقات پادشاه و به دستور او از خزانه خلعت زر دریافتی و لباسش را تعویض کرده بود (بساتین‌الانس، ۲۲۹؛ مجلس‌المشتاق، ۱۳۲ ر: ۴۸۲۰-۴۸۲۲).

۱۷- در بخش رفتن «ملک‌آرا به شکار و ملاقات با سمن‌بر و گل‌عدار»، در مجلس‌المشتاق وقتی ملک‌آرا خواهرش گل‌عدار را شناخت با هم بسیار گریه کردند و مدتی از هوش رفتند و وقتی به هوش آمدند از برادر و مادر و پدر یاد کردند. در بساتین‌الانس اشاره‌ای به یاد کردن برادر و مادر و پدر نشده است (بساتین‌الانس، ۲۳۶: س ۱۱؛ مجلس‌المشتاق، ۱۳۶ پ: ۴۹۸۸-۴۹۹۰).

۱۸- در پایان بخش «رفتن ملک‌آرا به شکار و ملاقات او با سمن‌بر و گل‌عدار» در بساتین‌الانس، ملک‌آرا بعد از برگشتن به قصر خود، برای بیرون آوردن سمن‌بر از دلتنگی دوری یار، گاهی به او سر می‌زد و گاهی او را به قصر دعوت می‌کرد و زمانی سمن‌بر را به شنیدن نغمه‌های تار مشغول می‌کرده است، ولی در مجلس‌المشتاق اشاره‌ای به شنیدن نغمه‌های تار و موسیقی نشده است (بساتین‌الانس، ۲۳۷؛ مجلس‌المشتاق، ۱۳۷ پ: ۵۰۱۵-۵۰۱۷).

۱۹- در بخش «آشکار کردن کشورگشا صورت تعشق خود را با وزیر»، در مجلس‌المشتاق وقتی وزیر، قول همکاری و حل مشکل به کشورگشا را می‌دهد، سپس از او اجازه می‌گیرد و به خانه باز می‌گردد و به فکر فرو می‌رود. شاعر در ستایش چنین دوست حقیقی‌ای، ابیاتی را افزوده که مطالب آن در بساتین‌الانس ذکر نشده است (جلس‌المشتاق، ۱۴۸ پ: ۵۴۲۴-۵۴۳۳).

۲۰- در پایان بخش «رسیدن کشورگشا و وزیر به شهر سران‌دیب» در مجلس‌المشتاق، وقتی کشورگشا چگونگی رفتن پیش ملک‌آرا را به وزیر می‌گوید، وزیر گفته کشورگشا را بی‌نهایت می‌پسندد، اما در بساتین‌الانس به پسندیدن وزیر اشاره‌ای نشده است (بساتین‌الانس، ۲۵۷؛ مجلس‌المشتاق، ۱۵۲ ر: ۵۵۶۵-۵۵۶۶).

۲۱- در بخش «فرستادن کشورگشا وزیر را به خدمت ملک‌آرا با ارمغانی»، در بساتین‌الانس کشورگشا به وزیر، گردن‌بند جواهری که ترکیبی از مروارید و لعل، که درونش با یک یاقوت ترکیب شده است، می‌دهد تا به همراه خود برای ملک‌آرا ببرد. در مجلس‌المشتاق گفته شده که آن گردن‌بند ترکیبی از لعل و یاقوت بود و اشاره‌ای به مروارید نشده است (بساتین‌الانس، ۲۵۷؛ مجلس‌المشتاق، ۱۵۲ پ: ۵۵۷۳).

۲۲- در بخش «فرستادن کشورگشا وزیر را به خدمت ملک‌آرا با ارمغانی» هنگامی ملک‌آرا به وزیر کشورگشا اجازه ورود او را می‌دهد، وزیر بسیار خوشحال شده و ده جا سر بر خاک می‌گذارد و بر جان شاه درود و آفرین نثار می‌کند. در بساتین‌الانس به این سجده وزیر و آفرین گفتنش بر شاه اشاره‌ای نشده است (جلس‌المشتاق، ۱۵۳ پ: ۵۶۱۱-۵۶۱۵).

- ۲۳- در پایان بخش «فرستادن کشورگشا وزیر را به خدمت ملک‌آرا با ارمغانی» در مجلس‌المشتاق بعد از اینکه وزیر به دستور کشورگشا گوهرها را آماده کرده، نزد کشورگشا می‌برد و بعد از نشان دادن آن کشورگشا به وزیر آفرین می‌گوید و تشکر می‌کند و دعا می‌کند و بعد از آن شاعر در چند بیت، گفت‌وگوهای فکری کشورگشا و ذوق و شوق دیدارش را بیان می‌کند، ولی در بساتین‌الانس به این موارد اشاره‌ای نشده است (بساتین‌الانس، ۲۶۰؛ مجلس‌المشتاق، ۱۵۴ پ: ۵۶۶۶-۵۶۷۴).
- ۲۴- در بخش «رفتن کشورگشا به نزدیک ملک‌آرا و استیلای حرارت عشق برو»، در مجلس‌المشتاق قبل از ملاقات با ملک‌آرا، وزیر به کشورگشا پند می‌دهد و می‌گوید که وقتی ملک‌آرا را دیدی پای خودت را محکم نگه‌دار و عشق و علاقه‌ات را پنهان کن، مبادا که او از ما ناراحت بشود. در بساتین‌الانس به این پند وزیر اشاره‌ای نشده است (بساتین‌الانس: ۲۶۰، مجلس‌المشتاق، ۱۵۷ پ: ۵۶۸۰ تا ۵۶۸۵).
- ۲۵- در بخش «شناختن ملک‌آرا کشورگشا را و قصه ایشان»، در مجلس‌المشتاق ملک‌آرا در معرفی کشورگشا به وزیرش، او را پسر پادشاه بتهیان خطاب می‌کند، اما در بساتین‌الانس او را پسر پادشاه کلیان معرفی می‌کند (بساتین‌الانس، ۲۶۵؛ مجلس‌المشتاق، ۱۶۰ پ: ۵۸۸۸).
- ۲۶- در مجلس‌المشتاق و در بخش «هلاک شدن مار و به دست آوردن خاتم و بخش آمدن کشورگشا و آوردن خاتم»، شاعر مدت رسیدن کشورگشا به سران‌دیپ را به صورت ضرب عدد در عددی بیان می‌کند که در بساتین‌الانس اعداد به شکل ساده بیان شده‌اند (بساتین‌الانس، ۲۸۵؛ مجلس‌المشتاق، ۱۷۸ پ- ۱۷۹ ر: ۶۵۴۹-۶۵۶۶).
- ۲۷- در بخش «آمدن سمن‌بر به نزدیک کشورگشا و فرستادن به طلب شاهزاده»، در مجلس‌المشتاق کشورگشا به سمن‌بر قول می‌دهد تا شاهزاده را پیدا کند و به این منظور بیست مرد سیاح را می‌فرستد و دو به دو هر کدام را به سمتی روانه می‌کند تا شاهزاده را پیدا کنند. در بساتین‌الانس کشورگشا ملک جن را صدا می‌کند و از او یاری می‌خواهد و ملک جن هم می‌پذیرد و به دنبال شاهزاده می‌رود (بساتین‌الانس، ۲۹۴؛ مجلس‌المشتاق، ۱۸۶ پ: ۶۸۳۸-۶۸۴۸).
- ۲۸- در مجلس‌المشتاق، فغفور در خواب زاهدی را می‌بیند که به او قلابی می‌دهد و به واسطه آن نهنگی را صید کرده و از درونش شاهزاده را خارج می‌کند و به فغفور حقه‌ای می‌دهد تا بر سر آن جوان بریزد و بعد از ریختن آن حقه، جوان به هوش می‌آید. فغفور وقتی بیدار می‌شود آن حقه را در دستش می‌بیند و به دنبال آن، شاهزاده به همان جایی که در خواب دیده، می‌رود. در نهایت، شاهزاده را از شکم نهنگ بیرون کشیده و نجات می‌دهد و با خود به قصر می‌آورد. در ادامه، شبی شاهزاده در خواب سمن‌بر را می‌بیند که از او گله و شکایت دارد. وقت سحر بیدار می‌شود و در صدد یافتن سمن‌بر به راه می‌افتد. پس از سختی‌های فراوان، در پای درختی بیهوش بر زمین می‌افتد و از قضا دو نفر از قاصدان کشورگشا او را پیدا می‌کنند و بعد از شناختنش، او را به قصر کشورگشا می‌برند و در آنجا با سمن‌بر ملاقات می‌کند. برای آن دو قصری فراهم می‌کنند و هر هفته جهت دلجویی و تسلی، آن دو را پیش خود دعوت می‌کنند تا اینکه یک روز کشورگشا متوجه ملامت شاهزاده به جهت دوری از پدر می‌شود و آن‌ها را به شرط فراموش نکردن راهی دیدار پدر می‌کند و شاهزاده در راه نامه‌ای برای پدرش می‌فرستد. پدر با خواندن نامه بسیار خوشحال می‌شود و به دیدار پسر می‌رود (مجلس‌المشتاق، ۱۸۷ پ: ۶۹۱۴-۶۸۷۵).
- در بساتین‌الانس، کشورگشا از ملک جن برای پیدا کردن شاهزاده کمک می‌خواهد و ملک جن بعد از اینکه می‌فهمد شاهزاده در دریای چین اسیر جنیان شده است، به آنجا رفته و او را نجات داده، پیش کشورگشا می‌آورد. به ادامه ماجرای سمن‌بر و شاهزاده و رفتن به نزد پدر هیچ اشاره‌ای نشده است (بساتین‌الانس، ۲۹۵).
- ۲۹- در مجلس‌المشتاق و در بخش «خلاص شدن شاه قنوج به استدعای وزیر»، شاه قنوج با وساطت و نصیحت‌های وزیر به شاه و بیان این نکته که اگر او را آزاد کنیم، او شرمنده، مطیع و فرمانبردار ما خواهد بود و پیش همه پادشاهان و مردم به

نیک‌نامی معروف می‌شویم، شاه را راضی می‌کند و با دادن زر و سیم فراوان از طرف شاه، روانه قنوج می‌شود. همچنین شاه از وزیر می‌خواهد تا چند منزل، او را مشایعت و بدرقه کند. در نهایت شاه قنوج از وزیر به خاطر وساطت و خیرخواهی‌اش تشکر و قدردانی و پس از آن با او وداع می‌کند. در بساتین‌الانس به وساطت و نصیحت‌های وزیر در باب آزادی شاه قنوج، هیچ اشاره‌ای نشده و فقط به‌طور مختصر آزادکردن شاه به همراه بدل نعت‌های فراوان به او آمده است (بساتین‌الانس، ۲۹۵: س ۹؛ جلیس‌المشتاق، ۲۰۳ پ: ۷۴۷۰-۷۵۸۳).

۳۰- ماجرای رفتن پسر وزیر با دختر زاهد به مملکت خود، تنها در جلیس‌المشتاق (۲۰۶ پ - ۲۰۷ پ) ذکر شده است. همچنین بخش انجام داستان زاهد و نصایح او با فغفور نیز فقط در کتاب جلیس‌المشتاق آمده و در کتاب بساتین‌الانس ذکر نشده است (جلیس‌المشتاق، ۲۰۸ ر - ۲۰۹ ر).

۲، ۱، ۳، ۲. مکان‌های داستانی

صحنه‌های داستان به‌طور کلی شهر چین، صومعه، باغ، سرزمین هند و دربار شاه است که گاه مشترک و گاه متفاوت هستند. ۳، ۱، ۳، ۲. شخصیت‌های داستانی

شخصیت‌های داستانی این دو اثر نیز شباهت و تفاوت‌هایی بایکدیگر دارند.

۱- در جلیس‌المشتاق، نام شاه هند مظفر گفته شده، ولی در بساتین‌الانس اشاره‌ای به نام شاه نشده است. بساتین‌الانس

«در ملک عجم پادشاهی بود که در حدیقه سینه، نهال محبت انواع ریاحین نشانده بود» (۷۵). جلیس‌المشتاق

مظفر بُد آن شاه عادل به نام که منصور بودی بر اعدا مدام

(۱۳: ۳۸۹)

۲- نام پادشاه کشمیر در جلیس‌المشتاق کاووس آمده، اما در بساتین‌الانس اشاره‌ای به نام او نشده است. بساتین‌الانس

«در شهر کشمیر پادشاهی بود که حسن اعتقاد او در باب زهاد و و عباد رسوخی تمام داشت و سعادت دو جهانی خویش در تحری مرضیات و تعرض مسرات این طبقه کرام و زمره واجب الاحترام می‌پنداشت» (۱۲۵). جلیس‌المشتاق

جهان‌جوی را نام کاووس بود بسی مر زبانش چو کاموس بود

(۵۴ پ: ۱۹۲۸)

۳- در بخش «شناختن ملک‌آرا کشورگشا را و قصه ایشان»، در جلیس‌المشتاق، ملک‌آرا در معرفی کشورگشا به وزیرش، او را پسر پادشاه بتیهان عنوان می‌کند، در صورتی که در بساتین‌الانس او را پسر پادشاه کلیان معرفی می‌کند. بساتین‌الانس

«آن بازرگان نیست، پسر پادشاه شهر کلیان است و کشورگیر نام اوست» (۲۶۵).

جلیس‌المشتاق

که آن پادشه زاد بتیهان بود به رفعت فزونتر ز کیوان بود

(۱۶۰ پ: ۵۸۹۱)

شباهت و تفاوت در نام و منصب شخصیت‌های این دو اثر به تفکیک این گونه است:



جدول (۱): مقایسه شخصیت‌ها

ش.ش	جلیس‌المشتاق	بساتین‌الانس
۱	اهل صومعه یا صوفیان	اهل صومعه
۲	آهو	آهو
۳	باغبان	باغبان
۴	بلبل	بلبل
۵	پادشاه بتهیان	پادشاه کلیان
۶	پادشاه چین، فغفور، امیر	پادشاه چین / اوجین
۷	پادشاه سراندیب	پادشاه سراندیب
۸	پادشاه هندوستان / رای / مظفرشاه	پادشاه ملک عجم
۹	پدر و مادر سمندر	پدر و مادر سمندر
۱۰	پدر و مادر و برادر و خواهر گلعدار	-
۱۱	پسر وزیر	وزیرزاده
۱۲	تاجر عجمی	-
۱۳	حاجب یا امیر	حاجب درگاه شاه
۱۴	حکیم	حکیم
۱۵	حکیمان	حکیمان
۱۶	حکیم علم سیمیا	حکیم علم سیمیا
۱۷	خادم	خادم
۱۸	خازن	خازن
۱۹	خاقان چین	خاقان چین
۲۰	دختر زاهد	دختر زاهد
۲۱	روح‌افزا	روح‌افزا
۲۲	زاغ	زاغ
۲۳	زاهد	زاهد
۲۴	زاهد یا پیر	زاهد
۲۵	سران لشکر	سران لشکر
۲۶	سرلشگر، سردار، امیر	سرلشگر
۲۷	سمن‌بر یا دختر شاه ایران	سمن‌بر یا دختر شاه ایران
۲۸	شاه قنوج	شاه قنوج
۲۹	شاه ماران	شاه ماران
۳۰	صیاد	صیاد
۳۱	عالمان	عالمان
۳۲	قاصدان کشورگشا	قاصدان کشورگشا
۳۳	قمری	قمری
۳۴	کشورگشا	کشورگیر
۳۵	گل	گل
۳۶	وزیر	وزیر
۳۷	ندیم	ندیم

### ۳. نتیجه‌گیری

جلیس‌المشتاق اثری است منظوم که شاعری ناشناخته به نام و یا تخلص علی و احتمالاً سید علی حسینی، صاحب ریاحین القلوب، در وزن شاهنامه فردوسی، به بحر متقارب، در سده نهم سروده است. پیشینه این کتاب داستانی است هندی که ماجرای عاشقانه پادشاه کشورگشا با ملک‌آرا را بیان می‌کند. همین داستان را محمد بن احمد بن حسن عبدوسی مشهور به اخستان دهلوی در قرن هشتم با عنوان بساتین‌الانس از زبان هندی و به شیوه کلیله و دمنه و مرزبان‌نامه به زبان فارسی برگردانده است. از آنجایی که این دو اثر پیشینه‌ای یکسان دارند، اشتراکات و افتراقاتی در روایت داستان و استفاده از کلمات، ترکیبات، توصیفات و مفاهیم دارند. خلاصه‌ای از یافته‌های این پژوهش در پی ذکر می‌شود:

- نویسندگان هر دو اثر از لحاظ روحی و جسمی در رنج بودند؛
- هدیه آوردن کتاب از جانب دوستان برای هر دو نویسنده و درخواست آن‌ها برای ترجمه و نظم آثار، برای تسکین آلام و انبساط خاطر است؛
- اصطلاحات موسیقی، نجوم، ریاضی و بهره‌مندی از کلمات و ترکیب‌های عربی در هر دو اثر به‌طور مشترک به چشم می‌خورد؛
- نیایش، پند و اندرز در آغاز روایت جلیس‌المشتاق آمده، اما در بساتین‌الانس از این قبیل محتوا دیده نمی‌شود؛
- ناظم جلیس‌المشتاق برخلاف اخستان دهلوی، درباره وابستگی دینی خود سخن گفته است؛
- نثر بساتین‌الانس، نثر متکلف و نثر جلیس‌المشتاق، ساده و بی‌پیرایه است. علی به نسبت اخستان کمتر عبارات و ابیات عربی، آیات قرآنی و احادیث نبوی به کار برده و در مواردی آن‌ها را به فارسی ترجمه کرده و همین امر موجب افزایش جذابیت این منظومه شده است؛
- حذف توصیفات اضافی توسط ناظم جلیس‌المشتاق و پرداختن به اصل داستان برخلاف نویسنده بساتین‌الانس است؛
- در جلیس‌المشتاق و در قصه رای با گل، شاه در اندیشه گلی بی‌مثل و مانند در جهان است. باغبان، خبر شنیدن گلی سرخ از زبان تاجری می‌دهد که از عراق عجم به باغ آن‌ها آمده بود. شاه، باغبان را مأمور پیدا کردن نهال گل می‌کند. وی پس از سیر در کوه و دشت به پیری برمی‌خورد. پیر او را به باغ خود می‌برد، نهال گل را به باغبان می‌دهد و وی آن را به بارگاه شاه می‌آورد، اما این قسمت از داستان در بساتین‌الانس ذکر نشده و فقط به آوردن گل سرخ به رسم تحفه به محضر شاه و دل‌بسته شدن وی به رنگ و بوی گل و مأمور کردن باغبان به یافتن نهال گل اشاره شده که باغبان برای به دست آوردن آن به شهری بهار نام می‌رسد و «به یاری بخت رهنمون خود» به نهال آن گل دست می‌یابد و به محضر شاه می‌آورد؛
- در داستان پیدا شدن شاهزاده در جلیس‌المشتاق، به واسطه خواب فغفور، شاهزاده از شکم ماهی خلاص می‌شود درحالی‌که در بساتین‌الانس، شاهزاده به کمک ملک جن نجات می‌یابد؛
- ماجرای رفتن پسر وزیر و دختر زاهد به مملکت خود و نیز انجام داستان زاهد و نصایح او با فغفور، فقط در جلیس‌المشتاق آمده است.

### منابع

- اخستان دهلوی، محمد بن صدر تاج (۱۳۸۹). *بساتین‌الانس*. مقدمه، تصحیح و تحشیه نذیر احمد. به کوشش ریحانه خاتون. دهلی: مرکز تحقیقات فارسی ریزنی فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران.
- امیرخسرو دهلوی، خسرو بن محمود (۱۳۹۱). *هشت بهشت*. تصحیح حسن ذوالفقاری، پرویز ارسطو. تهران: چشمه.

- ایمانی، بهروز (۱۳۸۸). *نامه‌های تاج‌الدین اخستان دهلوی و ارتباط او با عمادالدین فقیه کرمانی، مهندات (مجموعه مطالعات فرهنگ، زبان و ادب فارسی در شبه‌قاره)*. به کوشش سید عبدالرضا موسوی. تهران: سوره مهر.
- ثغری، عماد بن محمد (۱۳۸۵). *طوطی‌نامه/ جواهرالاسمار*. به اهتمام شمس‌الدین آل احمد. تهران: فردوس.
- حاجی خلیفه، مصطفی بن عبدالله (۱۹۴۱ م). *کشف‌الظنون عن اسامی الکتب و الفنون*. بیروت: دارالاحیاء.
- حسینی، سید محمد نقی (۱۳۹۴). *فهرست دستنویس‌های فارسی کتابخانه نور عثمانیه - استانبول*. تهران: منشور سمیر.
- عابدی، سید امیرحسین (۱۹۸۴ م). *هندستان فارسی ادب (تحقیقی، علمی اور ادبی مقالات کا انتخاب)*. به کوشش شریف حسین قاسمی. دهلی: اندوپرشین سوسائتی.
- عاشوری، ابوالقاسم (۱۳۹۷، اسفند). *نمود پارناسیسم در بساتین‌الانس اخستان دهلوی*. پنجمین همایش ملی پژوهش‌های نوین در حوزه زبان و ادبیات ایران با رویکرد فرهنگ مشارکتی. تهران: ایران.
- علی (بی‌تا). *جلس‌المشتاق، دستنویس کتابخانه لالا اسماعیل*. کاتب گلشنی الهروی. مضبوط در کتابخانه سلیمانیه ترکیه. شماره ۵۰۶.
- فرشته، محمد قاسم هندو شاه نخجوانی (۱۳۸۷). *تاریخ فرشته*. تصحیح محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مراغی، عبدالقادر (۱۳۶۶). *جامع‌الاحان*. به اهتمام تقی بینش. تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مشتاق‌مهر، رحمان؛ ایمانی، بهروز (۱۳۹۸). *بساتین‌الانس: گزاره پرسی عاشقانه‌ای از هند*. *نامه فرهنگستان «ویژه‌نامه شبه‌قاره»*. ۷ (۹)، ۹۵-۱۲۱.
- نخشی، ضیا (۱۳۷۲). *طوطی‌نامه*. به تصحیح و تعلیقات فتح‌الله مجتبابی، غلامعلی آریا. تهران: منوچهری.
- بیلاقی، مهدی (۱۴۰۰). *جلس‌المشتاق: رمانسی کهن در بحر متقارب، در مسخ و تبدیل ابدان*. گزارش میراث. ۴ (۸۸)، ۶۱-۷۶.

## References

- Abedi, S.A. (1984). *Hindustan Farsi Adab (Research, Scientific and Literary Essays)*. Sharif Hossein Ghasemi (Ed.). Delhi: Indo-Persian Society.
- Ali (N.D.). *Jalis al-Mushtaq, manuscript of Lala Ismail library*. Golshani al-Heravi (Ed.). Preserved in Sulaymaniyah Library of Turkey. No. 506.
- Amir Khosro Dehlavi, Kh. Bin M. (2011). *Hasht Behesht*. Hassan Zulfiqari, Parviz Arastoo (Ed.). Tehran: Cheshme.
- Ashuri, A. (2017, February). Parnassism in Dehlavi's Basatin al-Ons. *5<sup>th</sup> National Conference on Modern Researches in the Field of Iranian Language and Literature with a Collaborative Culture Approach*. Tehran. Iran.
- Dehlavi, M. Bin S.T. (2010). *Basatin al-Ons*. Nazir Ahmad (Intro., Correc.). Rehaneh Khatun (Effo.). Delhi: Persian Research Center of the Cultural Consultation of the Embassy of the Islamic Republic of Iran.
- Ferishteh, M.Gh. H.Sh.N. (2008). *Ferishteh History*. Mohammad Reza Nasiri (Correc.). Tehran: Association of Cultural Heritage and Culture.
- Haji Khalifeh, M. Bin A. (1941). *Kashf al-Zhanun on the Names of Books and Literature*. Beirut: Dar al-Hiya.
- Hosseini, S.M.N. (2014). *List of Persian manuscripts of Noor Osmaniye Library-Istanbul*. Tehran: Samir Publications.
- Imani, B. (2008). *The Letters of Taj al-Din Akhsatan Dehlavi and His Relationship with Emad al-Din Faqih Kermani*. Mohannadat (Collection of Studies on Persian Culture, Language and Literature in the Subcontinent). Seyyed Abdul Reza Mousavi (Ed.). Tehran: Surah Mehr.
- Maraghi, A. Q. (1987). *Jame' al-Alhan*. Taghi Binesh (Effo.). Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Mushtaqmeh, R.; Imani, B. (2018). Basatin al-Ons: A Romantic Persian Narrative from India. *Farhangistan Magazine "Subcontinent Special Magazine"*. 7 (9), 95-121.
- Nakhshabi, Z. (1993). *Tutinameh (Parrot Book)*. Fathullah Mojtai, Gholam Ali Aria (Ed.). Tehran: Manochehri.
- Thaghri, E. Bin M. (2006). *Tutinameh (Parrot Book) or Jawaher al-Asmar*. Shamsuddin Al Ahmad (Ed.). Tehran: Ferdows.
- Yeylaghi, M. (2021). *Jalis al-Mushtaq: Ancient Romance in the Metamorphosis and Transfiguration of Bodies, Heritage Report*. 3<sup>rd</sup> Edition. 4 (88), 61-76.

نحوه ارجاع به مقاله:

رستمی، فاطمه؛ قوجه زاده، علیرضا؛ چگینی، اشرف (۱۴۰۲). مقایسه دو اثر عاشقانه جلیس المشتاق و بساتین الانس. فصلنامه مطالعات زبان و ادبیات غنایی.

۱۳ (۴۸)، ۴۴-۲۵:

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Geography and Environmental Studies. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

